اول ماه می

یا روز همبستگی کارگران جهان

هشتاد و دوسال قبل ، بروز اول ماه می ۱۸۸٦ ، کارگران شهر شیکاگوی اضلاع متحدهٔ امریکا ، بغرض تقلیل ساعات کار و علیه اخراج یك عده از کارگران از کارگاه ها ، استثمار بی رحمانه وشرایط طاقت فرسای کار ، دست به اعتصاب زدند . ولی در اثر آتشباری وحشیانه پولیس ، چندین تن از کارگران بطور فجیعی کشته شده‌وتعدادزیادی هم‌زخمی گردیدند.

بروز سوم این فاجعه غم انگیز درست در هنگام تدفین کارگران شهید ، بار دیگر پولیس به کارگران حمله برد و در اثر زدو خوردیکه بین آنان صورت گرفت، بیش، از سه صد نفر کارگرکشته و زخمی گردید . عده کثیری از کارگران بیگناه را رهسپارزندانها کردند ودر نتیجهٔ یك محاکمهٔ دستوری شش نفر از کارگران زندانی محکوم به اعدام شد ، که از آن جمله چهار تن را به چوبهٔ دار بستند .

یك سال بعد ازین فاجعه دناك کارگران اضلاع متحدهٔ امریکا دست به اعتصاب وسیعی زدند که بالاثر در۱۸۸۹ روز اول ماه می ، بنا به درخواست کارگران امریکا ، ازطرف کنگرهٔ بین‌المللی کارگران بحیث‌روزکارگر برسمیت‌شناخته‌شد

با آنکه از فاجعهٔ اول ماه می ، ۸۲ سال میگذرد ، هنوز خاطرهٔ آن در قلوب مردان و زنان کارگر جهان مقام گرامی وارجمندی دارد و هر سال آنرا بحیث روز جشن کارگری باشکوه و عظمت خاصی‌تجلیل می نمایند .

پرچم : یك بار دیگر جشن ماه‌می را به کافهٔ کارگران جهان و کشور از صمیم قلب تبریك میگوید و موفقیتهای درخشان شانرا درمبارزه علیه استثمار بخاطر رهائی از هر نوع ستم آرزو دارد .

طبقهٔ کارگر به موازات تشکیل‌اتحادیه های کارگری وصنفی خود ، باید به سازمان واحد سیاسی‌خویش بپیوندد .

اعتصاب کارگران پیشرو جنگلك

ادامهٔ نهضت کارگری افغانستان است

کارگران زحمتکشی فابریکهٔ جنگلك بروز ۷ثور دست باعتصاب قانونی زدند .

یکی از کارگران اظهار داشت: «کارگران این فابریك بارها مطالبات خودرا‌بکار فرمایان‌فابریك‌رسانیدند اما بابرخورد ظالمانهٔ آنان مواجه شد ند» .

کارگران نجیب ودلیر جنگلك بخیر نگار پرچم گفتند که علت‌عمدهٔ اعتصاب شان اینست که تا کنون بمطالبات مبرم روز مرهٔ آنان کوچکترین اعتنایی نشده است، و افزودند که عمده ترین مطالبات کنونی ایشان قرار ذیل است :

ـ افزایش عادلانهٔ دستمزد .

ـ تأمین استحقاق سالانه ۷۰روز رخصتی ، مریضی وتفریحی باحقوق برای کارگران .

ـ تهیه وسائل حمل ونقل کارگر ازمحل رهایش تا فابریك‌وبالعکس.

ـ داخل شدن خانوادهٔ کارگر در بیمهٔ صحی .

ـ تهیهٔ لباس کار بدون پرداخت پول برای کارگران .

ـ انتقال پول ذخیرهٔ کارگران ببانك واعادهٔ بامفاد آن بعد از سبکدوش شدن کارگران ازکار .

ـ توزیع کوپون و تأمین رخصتی بعداز ظهر پنجشنبه برای کارگران.

تاجاییکه جریان این اعتصاب توسط خبرنگار پرچم تعقیب‌گردید کارفرمایان جنگلك بتأسی ازخصلت ضدکارگری خود اینبار نیز مطالبات کارگران جوان وستمکش فابریکه‌را دفع‌الوقت کردند ودر راه تأمین مطالبات زحمتکشان هیچگونه‌اقدامی بعمل نیاوردند .

پرچم: که دفاع ازحقوق‌کارگران زحمتکش کشور را ماموریت تاریخی خود میداند از اعتصاب قانونی کارگران جنگلك دفاع وپشتیبانی مینماید وآرزومند است که‌کارگران سر تاسر کشور با هم متحد شوند، این اتحاد بین صفوف کارگران وقتی امکان پذیر خواهد بود که طبقهٔ جوان کارگرافغانستان اتحادیه های دموکراتیك خودرا ایجادنمایند وبهیچ‌فرد، جریان وتیرویی اجازه ندهند که در صفوف آنان رخنه و پراگندگی ایجاد نما یند .

پیروز باد نهضت جوان کارگری در کشور !

پیگیر ترین مبارز در راه انجام‌جنبش دموکراتیك و ملی ، در راه نجات خلق افغانستان‌وترقی‌اجتماعی،طبقهٔ کارگر جوان کشور است .

اخراج کارگران نساجی

گلبهار

میگویند کار فرمایان فابریکهٔ نساجی گلبهار یکعده از کار گران را از کار اخراج می نمایند .

گفته می شود ، علت این امر پائین افتادن سطح تولیدات فابریکه وکمبود پختهٔ مورد نیاز می باشدکه نتیجهٔ آن علاوه بر اخراج یك‌عده از کار گران ، تقلیل ساعات کارو‌کم شدن مزد سایر کار گران است.

پرچم : اگر این امر حقیقت‌داشته‌باشد، ماآنرا نمونهٔ دیگری‌ازسیاست غلط اقتصادی دولت میدا نیم‌که‌نتیجهٔ جز آوار گی کار گران محروم کشور نداد رد .

بمناسبت اول ماه می

به طبقهٔ جوان کارگر

بیا ...!
بیا ای کار گر ،
ای درنبرد زندگانی گرد رزم آو ر !...
آیاعصر آفرین نیروی دورانساز عصیا نگر ،
بجنب از جا !...
بجنب ازجا، جو موج مست تو فانزا ،
که خیزد ازدل دریا :
غریو انداز و خشم آ گین و ویرا نگر ،
که لرزد پشت دژ خیمان ،
که غلتد کاخ استثمگر .
دگرگون گردد از بنیاد این‌نظم ستمگستر !

* * *

بیا....!
بیا ای کارگر،
ای پیشتاز خلق وجنبش رامیهن رهبر! ....
بیای ازغریوت‌درجهان‌برارتجاع محشر.
بیا هنگامه برپا کن ،
براستبداد غوغا کن،
بیاشو! شوربشکن بشکن‌زنجیر بالاکن.
بخون کش دیـواستثمار، آیـن‌عفریت غارتگر .
که این غول ازتو میترسد، نه از آتوم آتشبار مرگ آور .
تو پرچمدار خلقی ورهائی‌بخش این کشور.
بیا...!
ای کارگر،
ای درنبرد زندگـانی گـرد رزم آور...!
آیا عصرآفرین نیروی دورانساز عصا نگر.

(بارق شفیعی)

حقوق کار گران

تلف میشود

مقامات مسؤول ریاست برق کابل به بهانهٔ نداشتن بودجهٔ کـافی (!) سهمیه کوپراتیف کار کنان فـنی (رتبه یك تارتبه چهار) شرکت را قطع کرده است. درحالیکه معاشات ناچیز کار گران تحت تاثیر صعو د سرسام آور قیمتها حتـی‌حد اقـل زندگی شانرا تامین کرده نمی‌تواند، قطع سهمیه‌کوپراتیف‌آنان‌بردشواری های زندگی شان می افزاید .

پرچم : جداً میخواهد تا به چنین خودسریها کـه باعث اتلاف حقوق و پریشانی کارگران می‌شود، خاتمه داده شود .

تعداد کار گر ا نیـکـه درسال ۱۳٤٦ در امور تو لیـدی کشـور اشتغال دا شته اند

ـ در مؤسسات فعا ل صنعتـی ۲۸ هزار نفر .

ـ در امورچیولو جیکی‌وساختمانی ۸۳ هزار نفر

ـ درامور ترانسپورت و مخابرات (بدون ماموران اداری) ۱۵هزار نفر.

ـ درصنایع دستی ۲۰۰ هزارنفر.

ـ در سایر رشته ها (فعالیت‌های تولیدی در دهات) ۱۰۰ هزار نفر .

طبق تخمینات اخیر در حـدود ۸۰ هزار نفر کارگر ماهر ونیمه‌ماهر پس از تکمیل پروژه های پلان اول ودوم اقتصادی کشور که از دهـات غرض کار به پروژه های انکشا فی رو آورده بودند، اکنون بیکار اند .

فردا : عنقریب نشر می شود : آدی، فردابامطا لب‌خواند نی‌اش.

پرچم

ناشر اندیشه های دموکراتیك خلق افغانستان

۱. عمر فیض ـ کلکسیون پرچم اهدا به آنهائی که پرچم مبارزه را به زمین نگذاشته اند

شماره (هشتم) پنجشنبه ۱۲ثور ۱۳٤۷ ه‍ (۲) می ۱۹٦۸ع

مبارزهٔ عادلانه خلق پښتو نستان در راه حق تعیین سر نوشت

قیام مسلحانه ملـی (۱۹۱۹ ع) خلقهای دلیر وزحمتکش افغانستان اعم از پشتون، بلوچ، تاجیك،اوزبك،هزاره، تر کمن بـه تسلط مستقیم استعمار کهن پایان داد. ولی بکمال‌تاسف قسمتی از خلقهای پشتون‌و بلوچ آن طرف خط تحمیلی استعماری‌دیورند که در راه استقلال خو یش متحدا دو ش بـدوش خـلقهـا ی‌افغانستان فدا کاریهای بیشمار ی نموده اند ، همـچنان در زنـجیر بردگی استعمار انکلیس وبعدا‌تحت ستم طبقـهٔ حاکـمه ا ستعمار گـر پا کـسـتـا ن بـا قـی مـاند ند. ازآن تاریخ تا کنون جنبش‌انقلابی‌رهایی بخش ملی خلقها ی قهرمان پشتون وبلوچ به صورت‌پیگیر ادامه‌دارد .

نیروی تـر قیخواه د مـو کـرا تـیـك خـلـق ا ـفـغـا نـسـتـا ن به‌مثابه وظیفه‌ملی‌وبین المللی‌خویش‌وبر مبنای‌اصل«حق تعیین‌سرنوشت ملل تا سر حد جدا ئـی» از ایـن جنبش انقلابی باجدیت تمام پشتیبا نی می‌نماید .

هرگا ملتی بنا برستم ملی،سیاست تبعیضی، تفوق‌طلبی‌ملی وشونیزم، عظمت طلبانهٔ ملت ستمگر حاکم، از تامین عدالت در داخل چو کات یك کشور و دولت معین امید خود را از دست بده بد، آن ملت‌حق‌ووظیفه‌دارد پیکار عادلانه خودرا درراه آزادی از ستم ملی، تاسرحد جـدایی از ملت ستمگر، آغاز کند. و مقدرات آینده خویش را بر مبنای اصل «حق‌تعیین سر نوشت ملل»طبق منافـع ملی و اکثریت بزرگ خلق زحمتکش، بادر نظر داشتن اصل مبارزه طبـقاتی و ترقی اجتماعی تعیین نماید.

خلق قهر مان پښتون وبلـوچ از یکسو، چون باینطرف در بـر ابر اشغالگران استعمـاری بـر تانیه، دوشادوش خلق کبیر هندبریك‌جبهه واحد ، پیکار نموده وبابیش‌از صدها قیام مسلحانه و دادن قربانیهای بی شمار، ضربات مدهشی به‌نیرو های متجاوز استعماری در سر زمینها ی خود وارد کرده اند، تا بالاخـره در نتیجه این مبارزات دلیرانه درسال ۱۹٤۷ طومار امپراطوری بر تانیه از سر زمین هند چیده شد و هند دوائر توطئه استعمار، براساس‌مـذهب، به دو قسمت تقسیم شد و دولتی به‌نام پاکستان، بحیث پایگاهی‌برای ارتجاع وامپریالزم در دو چناح شرقی وغربی آن، تشکیل گردید.

استعمار گران بر تانیه زمام امور دولت نوبنیاد پاکستان را بدست یك عده از ملاکان فیودال وسر مایه‌داران بزرگ مرتجع سپردند که در ز مان تسلط استعماری خود از وجود آنها به حیث نیروی ضد ملی وضد جنبش استفادهٔ مینمودند وهمین نیـرو هـا

«ص ۲»

(پیرك كارمل)

ملاکین فیودال دشمن عمده

طبقاتی خلق افغانستان

به منظور اینکه توده ها ی عظیم خلق منحـرف نگـردد و در جنبش دموکراتیك و ملی کشور بـه سوی هدف غایی به پیروزیهای شکوفـان دست‌یابیم، بایدتوجه خودرابشناخت دشمن عمده خلق معطوف سازیم .

ازآنجاکه «مبارزهٔ طبقاتی سر ـ چشمه تکامل جامعه اسـت»، بـرای تعیین جهت‌صحیح واصلی‌مبارزه‌باید در نظر داشت که در هرجامعه‌طبقاتی طبقات‌اصلی‌وطبقات‌فرعی‌وجوددارند. طبقات اصلی درکشور ما که باشیوه مسلط تو لید در ارتباطند عبـارتند از طبقات متخاصم دهقانان و مالکین ارضی (فئودالها) .

در افغانستان اساس منا سبا ت تو لید فئو دالی را مناسبات مالکیت فئودالی بر وسایل تو لید وقبل از هر چیز برزمین و همچنیـن تسلط کا مل بر دهقانان تشکیل میدهد . به‌عبارت ساده تر: منـاسبات مسلط تولیددر کشـور، استثمار دهقـانان از جانب مالکین‌فئودال است .درست است که‌از یکسو شکل فئودا لیـزم درکشور مابااشکال خاص فئو دالیزم درون وسطایی اروپای باختری ودیگر کشور ها متفاوت است و همچنان در چند دهه‌اخیرفئودالیزم بنابه‌تغییرات سببی دروسایل‌تولید(جاده‌ها، بندها کانالها، فابریکات... وغیره) وظهور تناسبات سر مایه داری در شهر ها، رو به زوال است، معهذا تاکنون د ر نقاط مختلف کشور مناسبات‌فئودالی وبقایای آن(وهمچنان منا سبات‌قبیله وی) تسلط دارد و تضاد عمد ةداخلی در جامعهٔ ما مـیان تـوده‌های عظیم دهقانان و ملاکان ار ضی (بارتباط تضاد اساسی خلق مابه‌امپریا لیزم) بابر جاست .

باید خاطر نشان سـاخت که در زندگی اجتماعی کشورما دهقانان یکی از نیرو های محرك عمده نابودی فئودالیزم در جنبش‌دمو کـراتیك و ملی کشور بشمار میروند و مبارزه طبقاتی روز تاروز دربـین‌دهـقان و مالك ز مین اشکال جدی تری بخود میگیرد. در افغانستان دهقا نـان و فئودالها بمثابه طبقات متخاصم‌اصلی وارد صحنه مبارزه اندو زحمتکشان شهر بخصوص کـارگـران ماشین (به حیث پیشرو ترین نیروی‌مبارزه) وپیشـه وران ودیگر نیـرو های دمو کراتیك در اتحاد با دهقانان‌قرار میگیرند .

در افغانستان طبقه ملاکین‌فئودال باتحاد تجار بزرگ‌دلال وبیروکراتها به حیث طبقه حاکمه از لحاظ ماهوی با امپریالیزم وابسته اند که نماینده عقب افتاده ترین وارتجاعی تر ین مناسبات‌تولیدی‌درافغانستان‌میباشند واز رشد نیرو های مو لده جلو گیری میکنند. طبقه مالکین بزرگ ارضی و متحدین وی دشمنان عمده خلق اند که بهیچوجه با هدفـهای جنبش و تغییرات سریـع کیفی وبنیـا دی افغانستان توافق نمیکنند وگروه‌ضد جنبش دموکراتیك وملی ، وارتجاعی دست راستی افراطـی را در کشور تشکیل میدهند. نمایندگان سیاسی این طبقات حاکمه در دولت و محافل حاکمه سیاسی کشور فراوان اندوهم اکنون ا ین گروه ها برای حفظ‌منافع طبقاتی خود شعوری متشکل میشوند ودر تلاش ایجاد سازمان‌های سیاسی (احزاب) بخصوص خود میباشند.

وضع مالکیت ارضـی در دهـات افغانستان:

طبـق احصائیه هـای تخمینی‌در دهـات افـغـانسـتـا ن مـا لکـین سی فیصد نفوس دها ت را تشکیل میدهند که از آنجمله : (۱) ملا کین بزرگ فئودال‌دو فیصد که ٤۰فیصد زمین را مالك اند. (۲) مالکین‌متوسط مـرفـه الحال ۸ فیصـد کـه ۳۰ فیـصـد ز مـیـن را در د ست دارند. (۳) مالکین کوچك ۲۰ فیصد نفوس که مالك ۲۰ فیصد زمین اند.

در کشور ما مالکیت فئودالها بر زمین به اشکا ل ذیل دیده میشود: مالکیت فئودالهای اصلی محـلی و استیلاگر، مالکیت‌روحانیون بزرگ، مالکیت اشراف وصاحبان حسب و نصب، مالکیت ماموران رشوه خوار

(ص ۲)

پنابر تقاضاهای پیهم خوانندگان‌ارجمند مبنی بر اینکه باید مضامین‌بشتووفارسی‌پرچم‌دریك نسخه چاپ شود وهمچنان استقبال گرم مردم‌ازنشرات پرچم . این نشریه بعد ازین‌به قطع بزرگتر ، مضامین بیشتـر ومتنوعتر بروز های دوشنبه بخدمت‌علاقمندان گرامی تقدیم می شود .

مژده :

ا. عمر فیض - کالکسیون پرچم اهدا به آنلاین

س: کشتمند

سیاست درهای باز

اقتصاد ناتوان کشور را ناتوانتر میسازد

- ۲ -

حوزه «آزاد» تجارتی

قسمت بیشتر تجارت خارجی ما با کشورهای غیر سوسیالیستی بشکل مبادلهٔ آزاد، براساس سیاست درهای بازصورت میگیرد وازینطریق بحساب رنج ودشواریهای اقتصادی ملیونها انسان زحمتکش وطن، مشتی تجار بزرگ دلال وکمپرادور وتجار ونمایندگی های انحصارات خارجی، باهمکاری ومزج سرمایه های شان بایکدیگر سود هنگفتی بجیب میزنند وحاصل کار وزحمت مردم را بغارت میبرند.

امپریالیسم بادستیاری دلالان داخلی خود میکوشد که ممالک کم رشدی چون افغانستان رابه تولیدچند نوع اموال صادراتی محدود کند وخود هرچه بیشتر اجناس مصرفی خودرا به انواع مختلف بفروش برساند ودر عوض اسعار بگیرد وهیچگونه تعهدی هم برای خرید اموال ازینکشور ها نداشته باشد.

هرگاه احصائیه های رسمی تجارت خارجی افغانستان ملاحظه گردد، بروشنی میتوان دریافت که از حجم صادرات ما به کشور های حوزه آزاد تجارتی از یکسال تاسال دیگر، بمیزان قابل ملاحظه ئی کاسته میشود. اما برعکس مقدار واردات ازآنکشور هاافزود میگردد، بغرض تصویربهتر این میلان بجهت کاهش صادرات و افزایش واردات درین نوع مبادله، ارقام وحقایقی را تذکار میدهیم:

در کتاب تحلیل اوضاع اقتصادی منتشره ازطرف وزارت پلان اعتراف میگردد: «صادرات افغانستان (در سال ۱۳۴۵) به حوزه آزاد بمقایسه سال ۱۳۴۴ سقوط نموده است...» در حالیکه براساس احصائیه های همین کتاب واردات ماز آلمان غرب در سال ۱۳۴۵ بمقایسه سال ۱۳۴۴ باندازهٔ ۱۹٫۵ فیصد افزایش یافته است و همچنین دربین این دو سال درحجم واردات ازایالات متحده امریکا ۸٫۹۱ فیصد ازدیاد بعمل آمده ودر مقابل سطح صادرات به آنکشور به اندازهٔ ۵۰٫۱۹ فیصد پائین افتاده است.

به این دو رقم توجه فرمائید: در سال ۱۳۴۴ برطبق احصائیه وزارت تجارت، معادل ۸۷٫۴ ملیون افغانی اجناس تولیدی از مسپانیه در برابر رقم صفر صادرات به آنکشور، وارد وطن ما گردیده است وچاپان دد مورد خریداری اجناس صادراتی ما خیلی سخاوت(!) بخرج داده وبرای اینکه جایش در لست کشور های واردکننده اموال صادراتی افغانستان خالی نبا شد، مقدار قلیلی کشمش وبادیان به ارزش (۴۰۰) هزارافغانی خریداری کرده ودرمقابل میدانیدچه اندازه امتعهٔ خودرا به اینکشور صادر کرده است؟! معا دل(۹۶۰) ملیون افغانی، آنهم چه چیزهائی (!). درسال ۱۳۴۵ در حجم وا ردات از چاپان بازهم ۲۰ فیصدافزودی حاصل گردیده، درحالیکه کمترین صادراتی هم به آنکشور نداشته ایم.

تذکر این نکته لازمی است که: احصائیه های رسمی مربوط واردات ازکشور های حوزه «آزاد» تجارت، بنابر ترتیب بیحکمای جعلی و

(ص۳)

«بقیه صفحه اول»

ملاکین فیودال دشمن عمده ...

بزرگ دولت(بیرو کراتها)، مالکیت تجار بزرگ دلال، که همه در شکل باهم متفاوت اند ولی ماهیت همهٔ آنها یکی است وبه حیث مالکین ارضی (فئودالها) بشمار میروند وبا هم دریک طبقه حاکم شا مل اند.

باید خاطر نشان کرد که روابط تولید سرمایه داری در دهات افغانستان ناچیز میباشد. سرمایه داران تجاری وصنعتی عینا مثل ما لکین ارضی در دهات خصوصیت فئودالی را حایزند. مستا جران بزرگ (کولاکها)، در کشور رشد نیافته بسیار ضعیف وناچیزند.

در افغانستان تخمیناً هفتاد فیصد نفوس دهات را به استثنای کوچیان زحمتکشان ده تشکیل مید هندکه از آنجمله مزدوران کشاورزی یانیمه پرولتاریاکه به شدید ترین نوع استثمار میشوند بیست فیصد، دهقانان اجاره دار وکشتمند و بی بضاعت ۴۰ فیصد، وبیشه وران و شاگردان کار گاههای دستی ده فیصد را تشکیل مید هند که یاقادد زمین وبی چیزند ویاصاحب یك جر یب ودو جریب وسه جریب .... زمین میباشند وراجع بهریك آنها درآینده صحبت خواهیم کرد.

(نفوس کشور در سال ۱۳۴۷ در حدودشانزده ملیون تخمین گردیده که منجمله ۳ ملیون بصورت کو چی، ۱۱٫۳۷ ملیون در دهات و ۱٫۶۲ ملیون در شهر ها زندگی میکنند.

درافغانستان ۳۹ملیون جریب زمین تحت زرع میباشد،- ماخذطرح پلان سوم- تخمین در حدودهفتاد فیصد عواید ملی از زراعت تامین می گردد و ۸۷ فیصد نفو س کار گر کشور مشغول کشاورزی و دهقانی اند.)

اشکال عمده استثمار و مناسبات فئودالی در دهات افغانستان:

مسلم است که مقا صد و اهداف مبارزه مشترك طبقه کار گر ودهقان در کشور های مختلف متباین است. در کشور هاییکه مناسبات فئو دالی یابقایای این مناسبات قوی و جود داشته باشد نخستین و مهمتر ین وظیفه دموکراتیك عبارت است از مبارزه در برابر فئودالیزم، دربرابر اشکال استثمار فئو دالی دهقانان. عمده ترین اشکال استثمار و مناسبات فئودالی در دهات افغانستان قرار ذیل است:

- ملکیت های بزرگ زمین (بادرنظر گرفتن مناطق مختلف کشور از لحاظ وجود زمینهای آبی، للمی، قلت زمین زراعتی وتراکم نفوس وکثرت زمین زراعتی وقلت نفوس) در دست ملاکین بزرگ (فئودالها) است.

توده های عظیم دهقانان فقیر بنابر فقر کشندهٔ که دامنگیر ا کثر یت آنهاست قادر نیستند قطعه زمین شخصی برای تامین حد اقل زندگی خود داشته باشند ویا خریداری کنند لهذا طبعا دهقانان بنابر روابط حقوقی کهنهٔ مسلط درجامعه مجبور استند که قطعه زمینی را بصورت اجاره و دهقانی وکشتمندی از ملاکین بشرایط اسارت آور بگیرند. وبدین تر تیب عواید فراوان قشر های مختلف طبقه ملاکین فئودال از طر یق استثمار بی رحمانه مولدین مستقیم یعنی دهقانان بدست می آید. سطح استثمار در کشور روز افزون و حادتر میگردد. این وضع تضادآشتی ناپذیر (انتیگونستیك) را در نظام فئودالی کشور نشان میدهد.

عمده ترین شکل استثمار فئو دالی اخذ بهرهٔ مالکانه بصورت جنس و بعضا به شکل نقد میباشد که ازمحل دهقانی واجاره زمین پر دا خته میشود.

دهقانان واجاره داران بطورمتوسط از پنجاه در صد تا هشتاد در صد مجموع محصول یعنی دسترنج خود را بصورت بهرهٔ مالکانه به مالك میبر دازند.

باید خاطرنشان کرد که تاکنون قانون اجاره داری و دهقانی در افغانستان وجود ندارد. و در نقا ط مختلف کشور طبق قرار داد های کوتاه مدت عرفی وتعاملی معیار مختلفی برای پرداخت اجاره و دهقانی که غالبا فوق العاده ظالمانه وشدیداً استثمار کننده میباشد استقراردارد.

- نظام فرتوت سرویس کار بالای زمین ملاك درافغانستان از بیرحمانه ترین نظا مها در آسیا می باشد. دهقانان بنابرعدم یك نظام حقو قی مدنی مجبورند که زمین ملاك رابوسایل

(ص۳)

ا. عمر فیض - کالکسیون پرچم اهدا به آنلاین

(بقیه ص ۲)

ملاکین فیودال دشمن عمده ...

سلم کمر شکن، اکثریت دهقانانرا در قید اسارت ملاکان وسود خواران در آورده است. وجود سود طالمانه در دهات کشورکه سالیان درازدهقان قادر به پر داخت آن نمی شود وبه مرور زمان افزودمیگردد حتی خانواده های دهاقین را عملا به بردگی سوق میدهد.

- شیوه استبداد سیاه شر قی محافل حاکمه سیا سی کشور و دستگاه اداری فاسددولت که برمبنای مناسبات اقتصادی واجتماعی فئودالی استوار میباشد، طوری ستمگرانه در جریان است که همیشه دهقانان را دستخوش هوی و هوس ماموران و افسران محلی حکومت، قضات، پولیس وژاندارم که معمولا در خدمت ملاکین بزرگ ومتنفذین محلی (سردار ها، خوانین، اربابها، روحانیون بزرگ بابها، ملك ها، میر ها، بیگ ها، آقسقالها... و غیره) استند، قرار میدهد.

- یکی دیگر از اشکال استثمار فئودالی همانا عبارت از استثمار تاجران بزرگ دلال و ابسته به امپریالیزم است که از راه خرید وفروش وصدور محصولات زراعتی کشور سودهای فراوان بدست می آورند.

در همین شیوه استثمار است که استثمار امپریالیستی از طریق کمپرادور های داخلی مطرح بحث قرار میگیرد.

هو جز اینکه دراین راین همه استثمار شدید وبی رحمانه، توده های عظیم دهقانان افغانستان در فقر و فاقه بیکران بسر میبرند.

نتایج تسلط مناسبات فئودالی در افغانستان عبارت است از: کسر مزمن تولیدات زراعتی وقلت غله، عدم رشد سریع نیرو های تو لیدی که محرك ترین وانقلابی ترین جزو تولید است، عدم رشد صنایع ملی، عقب ماندگی تخنیك زراعتی، فقر، آوارگی جهل وبیماری اکثریت عظیم دهقانان کشور، سیر صعودی سر سام آور قیمتها، عدم استقرار بازار مواد زراعتی ... وغیره.

مسلم است که تا مناسبات وروابط فئودالی در کشور مسلط باشد وهرچه زودتر اصلاحات عمیق اساسی و دموکراتیك ار ضی (طبق مرا م دموکراتیك خلق) بشرکت همه دهقانان وبه نفع دهقانان اجرا نگردد وتجارت خارجی ملی نشود (در پهلوی دیگر تحولات بنیادی اجتماعی...) ناممکن است که: زمینهٔ رشد سریع اقتصادی وتامین استقلال اقتصادیرا تهیه دید کشور راصنعتی ساخته، نفوذ استعمار نوین وامپر یالیزم وتسلط هوا داران ارتجاعی داخلی آنرا طرد کرد و دمو کراسی رادر کشور تحقق بخشید، ترقی اجتماعی را تامین کرد وبه فقر مردم خا تمه داد.

«پایه های فئو دالی میتواند فقط تحت فشار جنبش دمو کرا تیك تمام خلق منهدم شود.

فقط اصلاحات عمیق ارضی و جنبش دهقانی میتواند بقایای رژیم قرون وسطائی را که سد راه ترقی نیروهای مولده استند درهم نوردد»

ما معتقدیم که گذشته از تحلیل تنها نیروی خلق بر مبنای اتحادطبقه کار گر و دهقانان به پیشرو ی و رهبری طبقه کار گر وسازمان پیش آهنگ سیاسی آن قادراست که مناسبات اقتصاد فئودالی ونفوذ سیاسی آنرا براندازد. ودهقانانی را که بالای زمین کار میکنند صاحب زمین گرداندوتغییرات کیفی وبنیادی سیاسی، اقتصادی، اجتماعی وفرهنگی را در جا معه بوجود آورد.

از آنچه در بالا بصورت مقد مانی توضیح شد نتیجه گرفته میشود که ملاکین فئودال به اتحاد تاجران بزرگ دلال وبیروکراتها (وهمچنان آن قشر روشنفکران که مدافع این طبقات اند) که شعوری یاغیر شعوری بامپریالیزم وابسته اند، دشمنان عمده خلق ومانع عمده استحکام استقلال ملی، تعمیم دمو کراسی در حیات اجتماعی، ترقی اجتماعی وبیشرفت جا معه افغانستان دراین مرحله تاریخی جنبش دموکراتیك ملی اند.

.....

یاد داشت :

چون تاکنون در زمینهٔ مناسبات وروابط وسایر خصوصیات نظام فیود الی در جامعهٔ ما منکشف ما تحقیقات و مطالعات علمی و عمیقی صورت نگرفته واحصائیه ها وارقام دقیق ومطمئن وجود ندارد، لذا تحقیقات ما دربارهٔ مناسبات فیودالی افغانستان روی کلیات و احصائیه های تخمینی استوار است.

بنابران از تمام رفقا، دوستان وهموطنان ارجمند خواهش میکنیم در هر کجای کشور که هستند تحقیقات، انتقادات، معلومات و نظریات خویش رادربارهٔ خصوصیات واشکال استثمار وستم نظام فیودالی، ما قبل فیودالی وقبیلوی افغانستان به ما ارسال دارند.

(بقیه ص ۲)

مبارزه عادلانه..

وقهر آمیز پنهان وآشکار علیه بدترین شکل ارتجاع واستبداد ادامه دارد. وخلق پښتون وبلوچ دراین مبارزه عادلانهٔ خویش از همدردی عمیق خلق شریف پاکستان، پشتیبانی وتا ئید همه نیرو های انقلابی وصلحدوست جهان به خصوص مردم زحمتکش افغانستان بر خور دارند.

جریان دموکراتیك خلق افغانستان بنابر ماهیت ضد استبدادی وضد استعماری خویش ونظر به علایق عمیق تاریخی ای که بین خلقها ی افغانستان وپښتو نستان وجود دارد، حمایه وپشتیبانی ازمبارزهٔ عادلانه و جنبش آزادی بخش ملی مردم پښتون وبلوچ را علیه استعمار وظیفه ملی و بین المللی خودمیداند ودر این راه از هیچنوع کمك وفداکاری در یغ نمی کند.

حمایه وپشتیبانی ما از مبارزات خلقهای پښتو نستان مبنای محکم اصولی وریشه عمیق تاریخی دارد وهر گز تابع نوسانات سیاسی درینجا وآنجا نبوده و نخواهد بود. ما رویهٔ سازش کارانه وسیاست عوام فریبانه محافل حاکمه ارتجاعی افغانستا نرا در مورد جنبش ر ها یی بخش پښتونستان جدا تقبیح می نما ئیم.

اکنون ماهیت این «سیاست دفع الوقت» حکومت ها به همه آشکار گردیده و موانعی که در راه تشکیل «حکومت آزاد مو قتی» پښتو نستا ن ایجاد میگردد موجب نگرانی وعدم رضائیت کلیه نیرو های مترقی وطن پرست میباشد.

مبارزه اصولی در راه از بین بردن این موانع وذهنیت های تنگ نظرانه انحرافی در برابر جنبش آزادی بخش پښتو نستان که به سود ار تجاع و امپریالیزم وغالبا ناشی از منابع امپریالیستی وارتجاعی میباشد از وظایف ملی، دمو کراتیك و مترقی جریان دمو کراتیك خلق افغانستان است.

(میراکبر خیبر)

(بقیه ص ۲)

سیاست درهای باز

سازشهای گمرکی، غرض گریز از پرداخت محصول، حتی دو ثلث ارقام واقعی رادر زمینه هم ارائه کرده نمیتواند، تاچه رسد به ورود اموال قاچاقی که در قید هیچگونه بند و احصائیه ئی نیست وبازار های سر تاسر کشور را استیلا کرده و آنهم همه اموال کم دوام وبدکیفیت که وجود آنها زاید است.

اینوضع یکی ازدها شیوهٔ نفو ذ استعمار نوین دراقتصاد ناتوان کشور ماست. امپریالیسم بانیرنگهای جدید استعماری واشکال توطئه آمیز و طرح سیاست به اصطلاح اقتصاد منطقوی وتشویق وترغیب طبقات حاکمه کشور های وا بسته بخو د (پاکستان، ایران....) جهت صدور اموال استهلاکی که غالبا زائیده سرمایه گذاریهای انحصارات امپریالیستی دراینکشورها میباشد، سعی میکند تا از ینطریق نیز در اقتصاد کشور مانفوذ خودرا بسط وتوسعه دهد. درینمورد مطالب زیادی گفتنی است که درجای خودش مورد بحث قرار خواهد گرفت اما دراخیر این مبحث خاطر نشان میگردد که هرگاه جلو نفوذ اقتصادی استعمار نو گرفته نشود وتوریه بی بند وبار اجناس مصرفی از کشور های امپریالیستی وواپسته به آن که از طریق تجارت مبتنی بر مبادله آزاد که با اعلانات واشتهارات رنگین و عوامفریبانه دامنهٔ آن وسیعتر میشود، محدود نگردد و به سیاست وارداتی درهای باز وقاچاق پایان داده نشود، افغانستان بزودی به یك مستعمره اقتصادی کشور های شامل حو زه «آزاد» تجارتی وبخصوص دوکشور پاکستان وایران تبدیل خواهد شد.

(قسمت دیگراین موضوعرا در شماره آینده مطالعه فرمایند)

پرچم

شمارهٔ آینده بروز دوشنبه نشر میشود.

سال تاسیس : حوت ۱۳۴۶

صاحب امتیاز و مدیر مسؤول : سلیمان «لا یق»

آدرس : غوثی مارکیت

محمد جانخان وان کابل- افغانستان

نمبر حساب جاری جریده: ۳۸۵۳ پښتنی تجار تی بانك.

ا شتراك

مر کز: سا لانه ۱۰۰ -افغانی

ولایات و پښتو نستان: سا لانه ۱۱۰- افغانی

خارج کشور : سا لانه ۱۰دالر

قیمت یك شماره: ۲-ا فغانی

دولتی مطبعه